

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه بررسی دلیل عقلی مشهور با تقریب سوم

بحث در تقریب سوم از دلیل عقلی طرفداران حرمت تجری بود. اشکالات برخی آقایان مثل مرحوم آقا مصطفی را بیان کردیم و نپذیرفتیم ولی دقت شود که اشکال ما بر کلام مرحوم آقا مصطفی به معنای دفاع از استدلال مشهور نیست. ما استدلال مشهور را قبول نداریم چرا که اثبات برخی مقدمات استدلال مشهور مشکل است. مثلاً در مقدمه اول از قیاس اول گفته شد: التجری ظلم و الظلم قبیح فالتجری قبیح. اما این التجری ظلم قابل بحث است. اصلاً تعبیر ظلم بر خدا و توصیف خدای متعال به مظلوم صحیح است؟ از کسانی که خیلی سخت مخالفت کرده اند مرحوم امام خمینی می باشد که در درگیری با مرحوم اصفهانی که تعبیر ظلم بر مولی را دارند، مخالفت می کنند و می فرمایند این تعبیر اشتباه است. البته ما به حسب روایات و آیات قبلاً بحث کردیم که انّ الشکر لظلم عظیم (13/لقمان). این که بگوئیم مشرک ظالم است و مظلوم هم خودش است خلاف ظاهر آیه است بلکه لظلم یعنی کار نابجایی است که نسبت به خدای متعال دارد صورت می پذیرد. ولی بالاخره مقدمه، مقدمه ی بدون اشکالی نیست.

اشکال دوم بر استدلال: این که مستدل فرمودند: التجری ظلم و الظلم قبیح فالتجری قبیح و کل قبیح حرام و معاقب، خود این جای سوال دارد که آیا تجری عقوبت دارد یا حرمت دارد؟ مستدل می خواهد حرمت را ثابت کنند و این هم مصادره است و هنوز ثابت نشده است. یعنی در کلامشان ملازمه بین حرمت و عقوبت را بیان می کنند.

بررسی ادله نقلی از قرآن و روایات برای قول مشهور بر حرمت تجری

بیان آیات: (اتقوا فتنه لا تصیبوا الذین ظلموا منکم خاص) آیه فقط ظالمین را مد نظر ندارد بلکه افراد خوب را هم شامل می شود. متجری از انسان خوبی که یک فتنه را می بیند و سکوت می کند که بهتر نیست.

آیه بعد: داستان حضرت شعیب علیه السلام می باشد که در آن که افراد خوب قوم شعیب که هلاک شدند بیشتر از بد ها بودند و مسلماً متجری جزء اینها است.

بیان روایات: الراضی بفعل قوم کالداخل منهم. متجری نه تنها راضی به معصیت است بلکه خودش وارد معصیت شده است.

روایت بعدی: نیت المومن خیر من عمله و نیه الکافر شر من عمله. مراد از نیت کافر نیت معصیت و کفرش می باشد.

روایت بعدی: اگر دو نفر به قصد کشتن هم بیرون بیایند قاتل و مقتول در جهنم اند و علت در جهنم بودن مقتول این است که او هم قصد کشتن قاتل را داشت.

حال وقتی قصد معصیت توسط متجری عقاب دارد بالتبع حرمت هم دارد.

نقد استدلال به ادله نقلی و نصوص دینی

اما آیات:

یکسری از آیات مثل آیه مورد نظر راجع به صرف متجری نیست. این که آیه می فرماید: بترسید از فتنه ای که وقتی بیاید فقط فاسق ها را نمی گیرد و دامن خوب ها را هم می گیرد مراد این است که خوب ها هم به علت ترک امر به معروف و ترک نهی از منکر معصیت کردند.

اما در مورد قوم شعیب افرادی که فاسق بودند 40 درصد بودند و 60 درصد دیگر چه راضی باشند چه نباشند بالاخره سکوت کرده اند و امر به معروف و نهی از منکر نکردند و از معاصی بزرگ ترک امر به معروف و نهی از منکر است؛ لذا اگر به کسی گفته

شود تو بخاطر ترک امر به معروف ونهی از منکر معصیت کرده ای از این نتیجه گرفته نمی شود که متجری هم معصیت کرده است؛ لذا برخی از آیات قرآن که افراد خوب ساکت را ملامت می کند به علت معصیتشان بوده است ولذا ربطی به محل بحث ما ندارد.

اما روایات:

اولاً: تتبع مستدل نسبت به روایات تتبع گزینشی بوده است و تتبع گزینشی صحیح نمی باشد. ما روایاتی داریم که می گوید قصد معصیت معصیت نیست؛ حتی در برخی روایات است که تا هفت ساعت به او مهلت می دهند که این مربوط به بعد از عمل است و مراد از ساعت در روایت لحظه یا مرحله است و یا برخی روایات است تا شصت ساعت به او مهلت می دهند که این ها منافاتی با هم ندارد.

پس روایاتی بر خلاف این دسته داریم که باید بین روایات جمع کرد نه این که گزینش کرد.

مرحوم شیخ انصاری دو توجیه برای جمع بیان می کنند:

1. شاید روایاتی که می فرماید: قصد معصیت معصیت است حمل شود بر موردی که شخص قصد معصیت کرده است و شروع به جرم می کند ولو هنوز وارد معصیت اصلی نشده باشد و روایاتی که نفی عقاب و استحقاق عقاب می کند بر مجرد قصد حمل می شود.

2. روایاتی که گوید قصد معصیت معصیت است آن جایی است که شخص منصرف نمی شود مگر یک مانع خارجی او را از معصیت باز بدارد والا او معصیت را ترک نمی کرد و روایاتی که نفی معصیت می کند ناظر به شخصی است که قصد معصیت می کند و بعد هم از درون خودش یک زاجری او را از این قصد منصرف می کند.

ثانیاً: اگر بگوئیم قصد معصیت ، معصیت است باید ملتزم شویم کسی که قصد می کند و بعد هم معصیت را انجام می دهد این شخص دو معصیت انجام داده است و لذا دو عقاب دارد در حالی که مسلماً کسی که غیبت یا ترک نماز می کند، یک گناه کرده است.

ثالثاً: این ادله حرمت فعل متجری به را ثابت نمی کند درحالی که مدعای مشهور اثبات حرمت فعل متجری به بود نه استحقاق عقاب در تجری یا حرمت نفس تجری.

الحمد لله رب العالمین